

## دستگاه‌واره الگوی پیشرفت؛ دینی یا فلسفی؟ انسجامی یا تألیفی؟

سید محمد مهدی میر باقری<sup>۱</sup>

دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، غیر از اینکه نیازمند نرم‌افزار دست‌یابی به این الگوست، تحقق بستر اجتماعی را نیز می‌طلبد که بحمدالله با وقوع انقلاب اسلامی فراهم شده است. از پرسش‌های بنیادی نرم‌افزار تولید الگوی پیشرفت، این است که چه لایه‌های مفهومی باید در مبانی پیشینی توسعه تولید شوند تا بتوان مبانی الگوی پیشرفت را تبیین کرد. در این زمینه، دو پرسش کلیدی مطرح است؛ اول اینکه آیا مبانی بنیادین الگوی پیشرفت (که در دانش‌هایی از قبیل فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی و ... بحث می‌شود) ناشی از فلسفه اولی است یا اینکه از حکمت اعلای دینی ناشی می‌شود که ذیل تفقه دینی (فقه دین) قرار دارد. دوم اینکه با چه رویکرد منطقی می‌توان مفاهیم بنیادین را در علوم پایین دستی مرتبط با الگوی پیشرفت، ساری و جاری کرد.

در پاسخ به پرسش‌های فوق، دو نگاه کلان وجود دارد:

در نگاه اول، بنیان‌های علمی الگوی پیشرفت، مبتنی بر فلسفه نظر و عمل اسلامی است؛ یعنی فلسفه، ایده‌ها و مفاهیم فرادستی الگوی پیشرفت را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، از منطق حیثی‌نگری برای ارتباط این مبانی با الگوی پیشرفت استفاده می‌شود، و از آنجا که نتیجه نگاه حیثی در طبقه بندی علوم، قطع رابطه علوم و پیدایش دانش‌های تألیفی است، در اینجا هم مبانی فلسفی به شکل تألیفی به الگوی پیشرفت ارتباط می‌یابند.

اما در نگاه دوم، اولاً، مبانی و غایات الگوی پیشرفت، از حکمت دینی نظری و عملی (فقه دین) ناشی می‌شود؛ نه از فلسفه. ثانیاً، این مبانی باید توسط منطق فرآوری اسلامی که مفاهیم را نظام‌واره و بُعدی (نه حیثی) می‌بیند، فراوری شود و تنزل و تنازل یابد و به تعبیری، این مفاهیم را صرف و تکثیر کند و به دانش‌ها برساند. این منطق، ابزار جریان مبانی حکمی در الگوی پیشرفت اسلامی است.

---

<sup>۱</sup> رئیس فرهنگستان علوم اسلامی